

حق بر آموزش مهاجر در فقه اهل بیت و قوانین موضوعه

سیدمحمد حسینی دره صوفی

دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق قضایی، جامعه المصطفی العالمیه، قم.

نام نویسنده مسئول:

سیدمحمد حسینی دره صوفی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۸

چکیده

حق برآموزش با بهبود زندگی مادی و معنوی انسان ارتباط مستقیم دارد. محدود شدن این حق، ضربه جبران ناپذیری بر افراد محروم از آموزش وارد می کند. سطح دستیابی مهاجر برآموزش، بستگی به دیدگاه فقه و حقوق کشور مهاجر پذیر دارد. حال این پرسش مطرح می شود که از چشم انداز فقه اهل بیت و حقوق ایران و افغانستان مهاجر چه حقوقی دارد؟ حق برآموزش مهاجر از پشتوانه فقهی برخوردار است. قوانین ایران و افغانستان اصل حق آموزش مهاجر را به رسمیت شناخته؛ اما محدودیت های وجود دارد. این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته و روش گردآوری آن کتابخانه است. هدف از نگارش، آشنایی مهاجر با حق آموزش و یافتن خلأهای قانونی و بیان ناهماهنگی برخی از قوانین با فقه اهل بیت است. فقه اهل بیت حق مذکور را بدون تبعیض ملیتی برای همگان تأیید نموده. قوانین ایران در آموزش فوق دیپلم همچنان برای مهاجرین محدودیتهای اعمال میکند. افغانستان حق آموزش مهاجر را قانون گذاری نکرده، هرچند با پیوستن به اسناد بین المللی ملزم به اعطای آن می باشد. قوانین ایران به لحاظ اعطای این حق مهاجر، بر قوانین افغانستان برتری دارد.

واژگان کلیدی: آموزش مهاجر، دانشجویان مهاجر، دانش آموزان اتباع، تبعیض در آموزش، کودکان مهاجر.

مقدمه

حق آموزش جزء اولین و مهمترین حقوقی است که برای بشریت شناخته شده است. تکامل مادی و معنوی انسان در گرو توسعه و ترویج و احترام به حق بر آموزش است. بزرگترین تمدنهای بشری در پرتو این حق سربرآورده اند و یکی از ریشه‌های ترین عوامل انحطاط ملت‌ها، عدم گسترش آموزش و فقدان توجه کافی به آموزش می باشد. امروزه پیشرفته‌ترین کشورهای صنعتی دنیا، علمی ترین کشورهای جهان می باشند. صنعتی شدن و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون ارتباط مستقیمی با پیشرفت علمی دارد. ترقی علمی زمانی میسر میشود که تمام افراد جامعه به صورت مساوی و عادلانه از تمام امکانات آموزش و فرهنگی برخوردار باشند و نظام آموزشی کارآمدی در جریان باشد. ضعف سیستم آموزشی و برخوردار نشدن ملت از حق آموزش باعث سلطه‌ی علمی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای قدرتمند بر کشورهای ضعیف می شود. واقعیت‌های خارجی این مسئله را به اثبات رسانده است.

بسیاری از کشورهای اسلامی متأثر از همین اصل، تحت سلطه فرهنگی و نظامی آمریکا قرار دارد. به عنوان نمونه افغانستان بیش از ۴۰ سال است که در گیر جنگ‌های داخلی و خارجی است. در بسیاری از ولایات (استان‌های) این کشور مردمانش عمداً از نگاه آموزش و تعلیم عقب نگه داشته شده‌اند. این واقعیت زمانی آشکار می شود که در یکی از استان‌های جنوبی این کشور، تنها یک زن در کنکور سال ۹۶ شرکت کرد. مردمانی که رفتن به مدرسه غیر دینی را کفر می دانند و خواندن درس غیر دینی را حرام تلقی می کنند. بدون شک این تفکر توسط جهان‌خواران استکبار در ذهن این مردم وارد شده تا بی سواد باقی بمانند؛ چون افراد بی سواد را راحت تر می توان مدیریت کرد و به سمت اهداف مورد نظر خود هدایت نمود.

«بر اساس آمار سازمان ملل متحد، حدود ۸۰ درصد زنان و بیش از شصت درصد مردان افغان توانایی خواندن و نوشتن ندارند» (سایت بی بی سی فارسی، «پائین بودن سطح باسوادی در افغانستان»، تاریخ مراجعه: ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، <http://www.bbc.com/persia>) جنگ‌های چهل ساله افغانستان ناشی از جهل و عدم توسعه و ترویج علم و دانش در این کشور است. مهاجرت میلیون‌ها افغانستانی ناشی از جنگ و نا امنی است و جنگ خود محصول و زاینده جهل و عدم رشد علمی و آموزشی و فرهنگی این سرزمین است. تا زمانی که این کشور جایگاه مناسب علمی و فرهنگی خور را باز نیابد، سرزمینش میدان بازی ابرقدرتهای شرق و غرب باقی خواهد ماند. مهاجر خود قربانی جهل و بی سوادی است. بسیاری از مهاجران در کشورهای مهاجر پذیر فقط به این دلیل که کودکانشان به سرنوشت خودشان دچار نشود و به سطح مطلوب آموزشی و علمی برسد، مشقت‌های عالم مهاجرت را می پذیرند. مهاجر آسیب پذیرترین قشر اجتماعی است و حق آموزش مهاجر بالتبع از خودش با فراز و فرودها و کاستی‌های زیادی مواجه می باشد. این تحقیق به صورت تطبیقی بین فقه و حقوق به بررسی این حق پرداخته است.

۱. مبانی نظری

آموزش و تعلّم در لغت به معنای آموختن و یادگرفتن، آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۵۲؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۵۳؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۷، ص ۷۱۴). در اصطلاح ابزار مهمی است برای شناخت ناشناخته‌ها و تکمیل آموخته‌ها (جهامی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۶۸۹). در جهان پیرامون ما و در روابط اجتماعی انسان با انسان‌های دیگر، با خانواده، با دولت و حاکمیت، حقوقی وجود دارد. اصل وجود چنین حقوقی قابل انکار نیست. در بین پیروان هر دین و آئینی و حتی بین افرادی که معتقد به دین نیستند بازهم اصل وجود حقوق به رسمیت شناخته شده است. قبول دارند که هر انسانی نسبت به دیگران حق و حقوقی دارد.

۱-۱. خاستگاه حق آموزش

وقتی گفته می‌شود حق آموزش، این پرسش‌ها مطرح شود که این حق از کجا ناشی شده است؟ خاستگاه آن کجاست؟ ملاک ثبوت حق چیست؟ از کجا می‌گویید که مهاجر چنین حقی دارد؟ اساساً حق آموزش برای بشر را چه کسی به رسمیت شناخته است و مرجع به رسمیت شناختن چنین حقی، چه کسی می‌تواند باشد؟ این پرسش‌ها در مورد تمام حقوق مطرح می‌گردد. در پاسخ به این پرسش‌ها سه نظریه مطرح شده است.

۱-۱-۱. مکتب حقوق طبیعی

این حقوق را موجودی به نام طبیعت به انسان داده است؛ اما تفسیر درست این نظریه این است که بگوییم، مقتضای طبیعت و ماهیت یک موجود، برخورداری از یک سلسله حقوقی است که دوام و بقای آن طبیعت به آن‌ها بستگی دارد (یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۳).

۱-۱-۲. نظر پوزیتیویسم حقوقی

هر ملتی می‌تواند توافق کنند که از چه حقوقی نسبت به همدیگر برخوردار باشد و این توافق به‌عنوان منشأ و خاستگاه حق شناخته می‌شود. پس مرجع رسمیت بخشیدن به حق، «توافق جمعی» است (یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱ ص ۸). طبق این نظریه هر ملتی در هر کشوری می‌تواند روی حقوقی توافق کند و این حقوق توافق شده را نمی‌تواند بر ملت‌های دیگر تحمیل نماید. بر همین اساس، هر دولتی که کنوانسیون‌های و اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی را نپذیرد کسی نمی‌تواند او را وادار به پذیرش و تحمیل نماید. می‌تواند به همین نظریه استناد کند که توافق شما بر رسمیت بخشیدن به این حقوق، موردپذیرش ملت ما نیست و ما خود، روی دسته‌ای دیگر از حقوق توافق کرده‌ایم. پس قوانین هر ملت و جامعه‌ای برای خودش محترم است نه برای ملت‌ها و دولت‌های دیگر.

۱-۱-۳. نظریه اسلام در مورد منشأ و خاستگاه حقوق

از نظر اسلام، اصل همه حقوق خداوند است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱، ص ۱) و اعتبار همه حقوق، ناشی از جعل و وضع و «اراده تشریعی» خداوند است. چون خداوند خالق و آفریننده و مالک این جهان و انسان است و شخصی که مالک چیزی نباشد نمی‌تواند نسبت به آن اعمال نظر و وضع قانون نماید.

هدف از خلقت انسان و قراردادن او در این جهان این است که به کمال مشخص خود برسد. برای رسیدن به کمال مشخص شده باید برنامه‌ریزی صورت بگیرد. قوانین وضع گردد و حقوقی در نظر گرفته شود که برای تمام بشریت معتبر و مشروع باشد. همه به آن قوانین ملتزم شوند و برای آن حقوق ارزش قائل باشند. در پرتو آن قوانین وضع شده و رعایت حقوق اعطاشده، بشر به کمال مشخص شده برسد. این حقوق را کسی می‌تواند برای بشریت اعطا نماید و رعایت آن را بر همگان الزامی سازد که خود مالک جهان هستی و انسان باشد؛ زیرا تنها مالک است که می‌تواند در مال خود تصرف نموده و نسبت به آن حقوقی را قائل شود و قوانین را در مورد آن وضع نماید. اما در نظریه «حقوق طبیعی» و «توافق جمعی»، چنین مالکیتی وجود ندارد. طبیعت و انسان مالک چیزی نیست. انسان حتی مالکیت وجود خود را ندارد. مالکیت او بر اموال اعتباری است یعنی خداوند به او چنین حقی داده است.

تا بدین جا، خاستگاه حقوق از جمله حق آموزش، روشن گردید. حال باید بررسی شود که دیدگاه فقه اهل‌بیت (علیهم السلام) و حقوق دو کشور ایران و افغانستان در مورد حق آموزش چیست؟

۱-۲-۱. حق بر آموزش مهاجر در فقه اهل‌بیت (علیهم السلام)

اسلام توجه ویژه به فراگیری علم و دانش نموده است (سوره زمر (۳۹)، آیه ۹؛ سوره مجادله (۵۸)، آیه ۱). اهمیت آموزش تا حدی است که مقید به زمان خاص یا مکان خاص نشده است: دانش‌پژوهی و علم‌آموزی بر هر شخصی در هر حالی چه مهاجر باشد یا غیر مهاجر، در هر زمان و در هر شهر و کشوری، به‌عنوان یک فریضه (واجب) است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳). فقهای اهل‌بیت (علیهم السلام) تحصیل علم را واجب کفایی دانسته‌اند (حلی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳؛ محمدحسن نجفی، ص ۱۱).

فراگیری علم و دانش منحصر به فرد، قوم، نژاد، ملیت و جنسیت نشده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۳). همه افراد بشر اعم از زن و مرد، مسلمان و کافر حق دارند به فراگیری علم و دانش بپردازند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۷۱۹) هرگونه محدودیت و ممنوعیت، برخلاف مصلحت‌های عمومی جامعه بشری بوده و از نظر اسلام مردود است.

درجه اهمیت حق آموزش و علم‌آموزی با بعثت انبیای الهی پیوند و گره خورده. یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت پیامبران و مهم‌ترین رسالت آنان در قرآن کریم، «آموزش و پرورش» معرفی شده است (سوره آل عمران (۲)، آیه ۱۶۴). بدون آموزش نمی‌توان راه‌های رشد و رسیدن به ترقی و پیشرفت مادی و معنوی را پیدا نمود. علم و دانش مهم‌ترین کلید موفقیت در زوایای گوناگون زندگی است. پیامبران تنها برای معرفی حلال و حرام مبعوث نشده‌اند، بلکه آمده‌اند تا در تمام زمینه‌های پیشرفت و ترقی، راهنمای انسانیت باشند. انبیای الهی با برجسته نمودن نقش عقل در کنار وحی، راه را برای تفکر و از طریق آن کشف رموز طبیعت و تأسیس علوم جدید هموار نموده‌اند.

پیامبر اکرم بعد از پیروزی در جنگ بدر، ۷۰ تن از مشرکان را به اسارت درآوردند. یکی از راهکارهای آزادی اسیران مشرک این بود که هر اسیری که توان مالی برای آزادی خود ندارد، در برابر یاد دادن علم و دانش به ده مسلمان زاده، سند آزادی خود را دریافت نماید (ابن سعد هاشمی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۶). این رفتار و سیره رسول خدا اوج اهمیت دانش‌آموزی را می‌رساند.

۱-۲-۱. دلایل اثبات همگانی بودن حق بر آموزش

امروزه بسیاری از جوامع، «حق آموزش» را برای ملت و اتباع خود به رسمیت شناخته‌اند؛ اما به رسمیت شناخته شدن بی‌قید و شرط این حق برای مهاجر، فاصله زیادی تا تحقق عدالت اجتماعی دارد. حاکم شدن ملاک‌های قومی و ملیتی بر ملاک‌های ارزشی و دینی، شکاف‌های تبعیض آموزشی را عمیق‌تر نموده است. همگانی بودن حق آموزش را می‌توان به‌روشنی از ادله عقلی و نقلی (آیات قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم السلام) استخراج نمود که در ادامه به توضیح و تبیین این دلایل پرداخته شده

۱-۲-۱. اصل عدم تبعیض

در قدم اول باید موارد تبعیض در آموزش مشخص گردد، تبیین درستی از اصل عدم تبعیض ارائه گردد. تبعیض در آموزش شامل موارد ذیل است:

- الف - محروم کردن یک شخص یا یک گروه از دسترسی به انواع و یا درجات مختلف آموزش.
- ب - محدود کردن آموزش و پرورش یک شخص یا یک گروه به حد پایین تری.
- ج - ایجاد و حفظ روش‌ها یا مؤسسات آموزشی جداگانه برای اشخاص یا گروه‌های خاص.
- د - قرار دادن شخص یا گروه در وضعی که مغایر با شئون انسانی باشد (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۱، بندهای الف - د).

یکی از موارد ذکر شده در این تعریف، تبعیض ملیتی است. به این معنا که شخص به خاطر نداشتن تابعیت کشور محل سکونت خود، مورد تبعیض آموزشی قرار گیرد. عرصه‌های آموزش بر او تنگ گردیده و یا کاملاً محروم شود. عدم تبعیض در آموزش یعنی هر فردی در هر جامعه‌ای از فرصت‌های برابر در آموزش، برخوردار باشد. تبعیض و نابرابری سرمنشأ جنگ‌ها، قتل و غارت و ظلم‌های شرم‌آور و عقب‌ماندگی و رشد نیافتن جامعه است. ادعای برتری نژادی، ملیتی، قومی و سایر افکار برتری جویانه، وحشتناک‌ترین قتل‌ها و پاک‌سازی‌های قومی را در تاریخ بشریت رقم زده است. از آن جمله می‌توان به رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی، قتل عام سازمان یافته در رواندا و یوگسلاوی سابق اشاره کرد (نوری، میر محمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۶۹).

پیامدهای تبعیض برای جامعه جهانی چنان مخرب و ویرانگر بود که باعث شد اصل عدم تبعیض در صدر برنامه‌های سازمان ملل و جهانیان قرار گیرد. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی بر اصل عدم تبعیض در تمام جهات آن تأکید نموده است (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲؛ میثاق حقوق مدنی سیاسی، ماده ۲؛ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۲، بند ۲؛ اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام؛ اعلامیه رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۳؛ کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۵؛ کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش، مصوب ۱۹۶۰؛ کنوانسیون یونسکو درباره نژاد و تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۷۸؛ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۹۶۷).

اصل عدم تبعیض که مورد تأیید فقه اهل‌بیت (علیهم السلام) قرار گرفته یک اصل مسلم قرآنی است. قرآن کریم، ملاک برتری و بهره‌مندی از حقوق و امتیازات را «پرهیزگاری و تقوا» می‌داند و هرگونه برتری جویی و تبعیضی که بر پایه قومیت، ملیت و نژاد باشد را رد می‌کند (سوره حجرات (۴۹)، آیه ۱۳).

فقه‌های اهل‌بیت (علیهم السلام) باور دارند که برقراری عدالت بین مسلمانان در اجرای تمام قوانین اولیه و ثانویه الهی واجب است، مسلمان عرب با غیر عرب از حقوق و فرصت‌های برابر و یکسانی برخوردار است. در استفاده از امکانات موجود، تفاوتی میان مسلمان هندی، ترکی، آفریقایی و سایر مسلمانان نیست. به جز تفاوت‌های که خود دین بیان داشته باشد. پس تمام قوانینی که حکام اسلامی وضع نموده‌اند که به نوعی نابرابری و تبعیض را در جامعه اسلامی دامن زده است، از نگاه فقه اهل‌بیت (علیهم السلام) و شریعت اسلام مردود است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۹۲، ص ۱۴۶-۱۴۵).

طبق این اصل، هرگونه اعمال ممنوعیت و محدودیت در امر آموزش و پرورش مهاجر، مخالف با آموزه‌های فقه اهل‌بیت (علیهم السلام) محسوب می‌گردد. به عقیده اندیشمندان فقه اهل‌بیت (علیهم السلام)، بزرگ‌ترین مشکل امروز جهان اسلام، وضع قوانین تبعیض‌آمیز است و تنها راه حل برون‌رفت از این مشکل پاره کردن چنین قوانینی و رجوع به احکام خداوند است (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۹۲، ص ۱۴۶).

۱-۲-۲. دلیل عقلی بر حق آموزش مهاجر

خداوند بشر را برای رشد و تکامل آفرید. قوانینی که مهاجر را از تحصیل منع می‌کند، به نوعی جلو رشد جامعه بشری را گرفته است. هر قانونی که در جهت رشد و ترقی مادی و معنوی انسان نباشد بر اساس عقل که حجت و دلیل باطنی و قلبی است باطل و مردود است.

۱-۲-۳. حق بر آموزش مهاجر در رساله حقوق امام سجاد ع

امام سجاد در رساله‌ی الحقوق خود یکی از حقوق رعیت را بر حاکم اسلامی، آموزش دادن آنان می‌داند. برخی از فقه‌های اهل‌بیت (علیهم السلام) در بررسی حقوق رعیت، حق آموزش را در آن دسته از حقوقی قرار داده که مردم بر حاکم و رهبر جامعه دارد (حسینی شیرازی، ۱۴۰۹، ج ۱۰۰، ص ۵۱۷). فقیه دیگری می‌فرماید: «حق تعلیم، یکی از اساسی‌ترین حقوق ملت‌ها بر دولت‌هاست و این مهم در ارتقای سطح فرهنگی هر ملت نقش اساسی ایفا می‌کند.» (معرفت و رشاد، ۱۳۸۰، ج ۵، ص ۱۹۰) امام سجاد خطاب به حاکم و رهبر جامعه می‌فرماید: «اما حق رعیت و مردم تو نسبت به آموزش علم و دانش آن است که بدانی خداوند تو را در پرتو بذل علم و دانش رهبر و راهنمای آنان قرار داده و به روی تو در گنجینه‌های کرامت، هدایت و سعادت خود را گشوده است» (علی بن حسین (ع)، رساله‌ی الحقوق، ص ۲۶؛ محمد بن

علی ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲۱). در ادامه، امام سجاد علیه السلام، به صورت دو جمله شرطی، دو دستور مهم و دو ماده قانونی ارزشمندی را وضع و صادر می فرماید:

۱. «پس اگر در مقام آموزش دادن مردم، با آن‌ها نیکی نمودی، [با هم به عدالت رفتار کردی] و بر آن‌ها درشت‌خویی و تندی و تغییر نمودی [عده‌ای را مبتنی بر قومیت، ملیت، رنگ پوست، زبان و نژاد از آموزش منع و محدودشان نکردی]، خداوند تو را از فضل خودیاری می فرماید» (علی بن حسین (ع)، رساله الحقوق، ص ۲۶). این جمله کوتاه امام سجاد، پیام گسترده و سرنوشت سازی دارد و آن اینکه: الف) حاکم و رهبر جامعه، زمینه آموزش دیدن و آموزش دادن را برای تمام افراد ملت فراهم نماید. در تحصیل علم و دانش ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را از بین ببرد. بین مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی قائل نشود. بین مهاجر و غیر مهاجر فرق نگذارد. در آموزش تبعیض را سرکوب نموده و اصل عدم تبعیض را اعمال نماید. ب) وظیفه حاکم اسلامی این است که امکانات تحصیلی و آموزشی را در اختیار تمام افراد ساکن قلمرو خود قرار دهد. در بهره‌مند شدن از امکانات آموزشی نباید میان فراگیران تفاوت قائل شد. هرفردی در شرایط برابر با سایر افراد ملت، از تمام امکانات موجود بهره‌مند گردد.

یکی از عوامل تبعیض قائل شدن بین مهاجر و غیر مهاجر این است که، متصدیان و مدیران بلندپایه آموزشی از ترس اینکه اگر به همه مهاجرین طالب آموزش زمینه فراهم شود، امکانات موجود گنجایش آموزش همگان را نداشته باشد، در نتیجه اتباع خودی دچار افت آموزشی گردند. امام سجاد ع می فرماید در صورتی که رهبر جامعه، با اعتماد و اتکای بر خداوند، «تبعیض آموزشی» را از بین ببرد، خداوند در امر آموزش همگانی به او توفیق عنایت می فرماید و مشکلات موجود و پیش رو را حل خواهد فرمود و زمینه‌های تحصیل را خود فراهم می نماید.

۲. «اگر از مردم علم خود را منع نمودی، یا درحالی که از تو درخواست حق آموزش می کنند، با تندی جواب دادی [بین افراد ملت تبعیض قائل شدی و عده‌ای را از تحصیل منع کردی و یا فراگیری برخی از علوم مباح را بر آنان محدود ساختی]، خداوند حق دارد که علمی را که بر تو ارزانی داشته بود از تو بگیرد [یعنی در تصمیم‌گیری‌های مهم و سرنوشت‌ساز دچار اشتباه شوی و در تطبیق علم بر موضوع موردنظر دچار خطا شوی] و قیمت عدم استفاده درست از علم را از تو بستاند [بدین شکل که با ثابت شدن اشتباهات مکرر در مدیریت و برملا شدن نقطه‌ضعف‌ها، ضعف و ناتوانی علمی حاکم بر همه آشکار شود] و جایگاه و موقعیتی را که بر اثر آن علم در بین مردم یافته بودی، از بین ببرد» (علی بن حسین (ع)، رساله الحقوق، ص ۲۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۲).

امروزه کشورهای که قوانین سخت‌تری نسبت به آموزش دارند و برخی از طبقات و قشرهای آسیب‌پذیر جامعه از تحصیل بازمی‌مانند و امکانات تحصیلی به صورت برابر در اختیار همه قرار نمی‌گیرد، رشد علمی قابل قبولی ندارند. از آن طرف، کشورهای که نگاه وسیع‌تری به مسئله علم‌آموزی دارند و تلاششان در محو تبعیضات آموزشی است و سعی می‌کنند شرایط و امکانات برابر در اختیار همه قرار بگیرد، قله‌های موفقیت را در حوزه‌های مختلف صنعت و فناوری و سایر دانش‌های بشری فتح نموده‌اند.

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در متون فقهی و ادله استنباط احکام شرعی، این نظریه به دست می‌آید که در فقه اهل‌بیت (علیهم السلام) هیچ دلیلی بر محدودیت و ممنوعیت آموزش‌های مباح وجود ندارد. اسلام تأکید فراوانی بر آموزش که پایه و اساس رشد و کمال است نمود. در برخورداری شدن از «حق آموزش» تفاوتی بین مهاجر و غیر مهاجر نیست. تمام ابنای بشر در هر جای جهان حق دارند به شکل مساوی از آموزش و امکانات آموزشی موجود استفاده نمایند. پس از اثبات «حق آموزش مهاجر» در فقه اهل‌بیت (علیهم السلام)، به بررسی دیدگاه حقوق ایران و افغانستان نسبت به این حق پرداخته شد.

۳-۱. حق بر آموزش مهاجر در حقوق ایران و افغانستان

حق بر آموزش را از دو جهت می‌توان در حقوق دو کشور بررسی نمود:

۱. در قوانین بین‌المللی مورد تصویب دو کشور ۲. در اسناد و قوانین داخلی

نخست پژوهشی در اسناد بین‌المللی انجام می‌شود تا جایگاه حق بر آموزش به شکل عام و فراگیر و از منظر جامعه جهانی مشخص گردد. بررسی قوانین بین‌المللی از آن جهت اهمیت دارد که ممکن است کشوری در قوانین داخلی خود نسبت به حق آموزش مهاجر، قانونی نداشته باشد یا چنین حقی را برای مهاجر به رسمیت نشناخته باشد؛ اما با الحاق و تصویب قانون بین‌المللی ناظر به حق مهاجر، ملزم به رعایت حق مذکور باشد.

۱-۳-۱. حق بر آموزش در اسناد بین‌المللی مورد پذیرش دو کشور

جامعه جهانی و سازمان ملل متحد، بیشترین تلاش را بعد از جنگ‌های جهانی، نسبت به زدودن تبعیض‌های آموزشی انجام داده‌اند. تأسیس سازمان‌های چون یونسکو^۱، به رسمیت شناختن حق آموزش در منشور ملل متحد و تنظیم کنوانسیون‌های (کنوانسیون، قرارداد و معاهده‌ای است در راستای تدوین قواعد حقوقی که بین کشورهای مختلف منعقد می‌شود) مهمی چون کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون مقابله با تبعیض در آموزش و پرورش، همگی نشان از اهمیت این حق و رسمیت آن در سازمان ملل دارد. برای تبیین حق آموزش و این‌که آیا این حق در نظام بین‌الملل و اسناد آن حق همگانی است یا خیر؟ ناگزیر به بررسی و تحقیق در مهم‌ترین قوانین و کنوانسیون‌های مربوط به آموزش هستیم

۱-۳-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر.

این اعلامیه جزء اولین دسته از اسناد بین‌المللی است که به ابعاد مختلف آموزش پرداخته است:

۱. آموزش را به‌عنوان یک «حق همگانی» (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶، بند ۱) به رسمیت می‌شناسد.
 ۲. تأکید می‌دارد که آموزش ابتدایی و پایه باید به‌صورت رایگان در اختیار همه قرار گیرد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶، بند ۱).

۳. آموزش پایه و ابتدایی باید اجباری باشد (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۶، بند ۱). هدف از آموزش رسیدن به رشد و کمال انسانی است. کودک نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و لذا ممکن است بافکر کودکانه خود اهمیت آموزش را درک نکند. در برخی از مواقع ممکن است والدین کودک به دلایل مختلفی از فرستادن کودک خود به مدرسه امتناع ورزند. در اینجاست که اجباری بودن آموزش به کمک انسان آمده و راه را برای تعالی جامعه بشری هموار می‌سازد.

۴. حق آموزش تا جایی است که منجر به نشر افراطی‌گری و دشمنی بین ابنای بشر نشود و صلح جهانی را به چالش نکشد. به نژادگرایی و جنگ‌های دینی و مذهبی دامن نزند (اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۲۶، بند ۴).

۲-۳-۱. حق بر آموزش مهاجر در کنوانسیون حقوق کودک

این کنوانسیون که حقوق کودک را به رسمیت می‌شناسد، به تأیید تمام اعضای مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و ۱۹۳ کشور جهان به‌غیر از آمریکا به این کنوانسیون ملحق شده و اجرای آن را لازم می‌دانند^۲. افغانستان این کنوانسیون را تصویب نموده و خود را متعهد به اجرای آن می‌داند (تاریخ الحاق ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۰، تاریخ تصویب ۲۸ مارچ ۱۹۹۴؛ سایت وزارت عدلیه).

مهم‌ترین قسمت این کنوانسیون که موضوع بحث این پژوهش است، حق بر آموزش است که به‌صراحت بیان شده است: «کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند» (کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲۸، بند ۱). بر این اساس، هر کودکی حق دارد که از آموزش بهره‌مند شود ملیت و تابعیت نمی‌تواند باعث محرومیت کودک از حق بر آموزش گردد. اجباری و رایگان بودن تحصیلات ابتدایی و پایه از دیگر مواردی است که نسبت به حق آموزش، مورد توجه و تأکید کنوانسیون حقوق کودک قرار گرفته (کنوانسیون حقوق کودک، ماده ۲۸، بند ۱، شق الف).

کشور ایران ضمن پذیرش و تصویب کنوانسیون حقوق کودک، برای خود حق شرط قائل شده است (قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، ماده واحده). به این شکل که در هر زمان و در هر موردی که این کنوانسیون با قوانین داخلی ایران یا موازین اسلامی مخالف باشد، ایران ملزم به رعایت آن موارد نخواهد بود؛ بنابراین اگر قوانین داخلی ایران برای کودکان مهاجر حق آموزش برابر با کودکان تبعه ایران قائل نباشد، حق آموزش برای کودکان مهاجر که در این کنوانسیون بیان شده است از نظر ایران فاقد اعتبار و ارزش است.

طبق این شرط، جمهوری اسلامی ایران نمی‌خواهد کنوانسیون را پایه قرار داده و قوانین داخلی خود را با آن وفق بدهد و قوانین مخالف با کنوانسیون را اصلاح نماید. بلکه قوانین قبل از کنوانسیون را اجرا می‌کند و قوانین بعدی خود را نیز بدون در نظر گرفتن کنوانسیون وضع می‌نماید و هر جا که قوانین داخلی مخالف کنوانسیون باشد، قوانین داخلی بر کنوانسیون مقدم می‌شود. «همین امر است که مورد اعتراض بسیاری از کشورها قرار گرفته و این شرط کلی را غیرقابل قبول و غیر منطبق با کنوانسیون می‌دانند» (مهرپور، ۱۳۷۷، ص ۱۴).

^۱. یونسکو مخفف سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد است، تشکیل در سال ۱۹۴۵، اعضای یونسکو ۱۵۹ کشور می‌باشند. مقر آن در پاریس

پایتخت فرانسه است برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به وبگاه یونسکو: www.en.unesco.org/about-us/introducing-unesc

^۲. Unicef, "About the Convention", www.unicef.org

هرچند حق آموزشی که مورد تصریح و پذیرش کنوانسیون قرار گرفته مخالف دستورات اسلام نیست و قوانین ایران نیز به‌طور کلی چنین حقی را نفی نمی‌کند. توضیح بیشتر در این مورد در ادامه بحث و در قسمت بررسی قوانین داخلی ایران، ذکر شده. در مورد بحث ما که حق آموزش است کنوانسیون حقوق کودک دو مشکل دارد:

۱. به‌صراحت به اتباع خارجه و مهاجر اشاره نشده است؛ هرچند ماده دوم، وضع هرگونه تبعیضی را که مبتنی بر ملیت و تابعیت باشد نفی می‌کند و ماده ۲۸ حق آموزش را برای همه به رسمیت می‌شناسد.

۲. مشکل مهم‌تر این است که کنوانسیون، دست کشورها را در قائل شدن حق شرط برای خودشان باز گذاشته است. هر کشوری هر قسمت از مفاد کنوانسیون را که به ضرر مصالح شخصی خود تشخیص دهد، با قائل شدن حق شرط، از اجرای آن خودداری می‌کند. این‌گونه است که کنوانسیون نمی‌تواند به‌صورت کامل از حقوق کودک از جمله حق بر آموزش کودکان مهاجر حمایت نماید.

۳-۱-۳. کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش

کنوانسیون مذکور در ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ میلادی و در یازدهمین اجلاس عمومی یونسکو (یکی از سازمان‌های ملل متحد) به تصویب اعضا رسید. ۱۰۵ کشور جهان به این کنوانسیون ملحق شده و آن را تصویب نموده‌اند. کشو ایران نیز از جمله کشورهای ملحق شده به این کنوانسیون می‌باشد (قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، مصوب ۱۳۴/۱۲/۰۷). افغانستان در ۲۵/۰۱/۲۰۱۰، به این کنوانسیون پیوسته و تصویب نموده است.^۱ هدف این کنوانسیون مبارزه با تبعیض است. یکی از شاخه‌های تبعیض، «تبعیض آموزشی» است.

مهم‌ترین سند بین‌المللی تاریخ جهان که توانسته از حق بر آموزش مهاجر به‌طور صریح حمایت کند، ماده سوم از کنوانسیون فوق است. این ماده را می‌توان به‌عنوان «منشور حق آموزش مهاجر» معرفی نمود. طبق این ماده کشورهای عضو ملزم شده‌اند که: «به اتباع خارجی مقیم در خاک خود، همان حق دسترسی برابر آموزش و پرورش اعطاشده به اتباع خود را بدهند» (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۳، بند «ه»). بر اساس این سند بین‌المللی که مورد قبول کشورهای ایران و افغانستان است، هر مهاجری که در کشور ایران باشد، از حق آموزش برابر با اتباع ایرانی برخوردار است. هر مهاجری که ساکن افغانستان باشد، حق مساوی با اتباع افغانستان در آموزش دارد.

کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش دارای دو ویژگی بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است:

۱. تصریح به حق آموزش اتباع خارجه از جمله مهاجر: که در ماده سوم بیان شد.

۲. عدم اجازه در قائل شدن حق شرط.

برخلاف کنوانسیون حقوق کودک که برخی از کشورها از طریق قائل شدن حق شرط برای خود، از پذیرش و اجرای کامل آن خودداری می‌کردند، کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش طوری تنظیم شده است اگر کشوری به آن ملحق شود، بدون هیچ قید و شرطی ملزم به اجرای مفاد کنوانسیون است. هر قید و شرطی برخلاف این کنوانسیون باطل و ملغی است. در متن کنوانسیون این‌گونه مقرر شده است که: «هیچ قید و شرطی برای این کنوانسیون مجاز نیست» (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۹). بر این اساس، کشورهای ایران و افغانستان که عضو کنوانسیون می‌باشند، مجاز نمی‌باشند هیچ قید و شرطی مخالف مفاد کنوانسیون در نظر بگیرند. در نتیجه طبق بند «ه» از ماده سوم کنوانسیون، دو کشور مزبور پذیرفته‌اند که مهاجر از حق آموزش برابر با سایر شهروندان خود برخوردار باشد.

از دیگر موارد مرتبط با حق آموزش که در این کنوانسیون مورد تصویب قرار گرفته عبارت است از:

۱. تصویب رایگان و اجباری بودن آموزش ابتدایی (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۴، بند الف).

۲. دسترسی بودن اشکال مختلف آموزش متوسطه برای همه (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۴، بند الف).

۳. قائل شدن حق آموزش عالی برابر برای همه (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۴، بند الف..)

۴. تضمین کنند که معیارهای آموزشی در همه مؤسسات آموزش عمومی در یک سطح و در شرایط مساوی، عادلانه و برابر باشند و همه از کیفیت آموزشی برابر برخوردار گردند (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش ماده ۴، بند ب). کیفیت آموزش برای مهاجر، پائین تر از بقیه شهروندان نباشد.

۵. آموزش ابتدایی؛ حتی برای افراد بازمانده از تحصیل ابتدایی نیز فراهم گردد (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش،

ماده ۴، بند «ج»).

^۱. Convention against Discrimination in Education. Paris, ۱۴ December ۱۹۶۰

۶. در آموزش افرادی که می‌خواهند برای شغل معلمی آماده شوند هیچ تبعیضی وجود نداشته باشد (کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش، ماده ۴، بند «د»).

تمام موارد فوق، از حقوقی است که رعایت آن بر کشورهای عضو کنوانسیون لازم است. از دیگر قوانینی فراملیتی که بر حق بر آموزش تأکید می‌ورزد، اعلامیه‌ی حقوق جهانی بشر در اسلام است. این اعلامیه که توسط کشورهای اسلامی تصویب گردیده مقرر داشته است که:

۱. طلب علم بر هرکسی که توانایی آن را داشته باشد واجب است (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۹، بند ۱).
۲. آموزش انسان‌ها بر دولت و جامعه تکلیف است. همچنین تضمین تنوع تعلیم بر آنان واجب است، به طوری که مصالح جامعه را برآورد و معرفت دین اسلام و حقایق عالم هستی و تصرف معقول در آن حقایق را به سود بشریت امکان‌پذیر سازد (اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۹، بند ۱).

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یکی دیگر از اسناد بین‌المللی تأثیر گزار بر حق آموزش است (میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ماده ۱۳، بند ۱).

از تک‌تک اسناد فوق، به‌وضوح حق بر آموزش مهاجر اثبات می‌گردد. نکته قابل توجه این است که اکثر این قوانین توسط دولت‌ها و سردمداران غیر اسلامی وضع شده است و کشورهای اسلامی صرفاً به آن ملحق شده و مورد تصویب قرار داده‌اند.

تعبیر آوتر این که بعد از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اسلامی که یک اعلامیه غیر الزام‌آور است، هیچ سندی حقوقی مهم دیگری که در عرصه بین‌المللی و در زمینه حقوق بشر از جمله حق بر آموزش، حرفی برای گفتن داشته باشد، توسط مجموع کشورهای اسلامی که قابل قبول همه باشد وضع و تصویب نشده است. تنها دستاورد مهم «سازمان کانفرانس اسلامی»، در عرصه‌های آموزشی، سازمان «آیسیکو (سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی، تأسیس در مه ۱۹۷۹ میلادی)» است که نتوانسته نقش مؤثری در تحکیم بنیان‌های آموزشی در جهان اسلام از جمله حق بر آموزش مهاجر، ایفا نماید.

پس از روشن شدن حق آموزش در اسناد بین‌المللی، به تبیین این حق در قوانین داخلی ایران و افغانستان پرداخته شده.

۱-۳-۲. حق بر آموزش در حقوق ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این مورد مقرر می‌دارد: «دولت موظف است همه امکانات خود را در مورد «آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی» به کاربرد (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳، بند ۳). عبارت «برای همه» این حقیقت را ثابت می‌کند که هرکسی که در جمهوری اسلامی ایران ساکن باشد چنین حقی دارد و تبعیضی در آموزش را روا نمی‌داند؛ بنابراین اصل حق آموزش همگانی، برای تمام ساکنین ایران به رسمیت شناخته شده است؛ اما در مورد جزئیات این حق باید قوانین مخصوص به آموزش بررسی شود.

در جمهوری اسلامی ایران، در مورد حق آموزش مهاجر، تاکنون، دو آئین‌نامه وضع شده است. آئین‌نامه اول در سال ۱۳۸۳ و آئین‌نامه دوم در سال ۱۳۹۵ مورد تصویب قرار گرفت. علاوه بر آن، هرساله توسط وزارت آموزش و پرورش، شیوه‌نامه مخصوص آموزش اتباع خارجه، به همه مدارس سراسر کشور، ابلاغ می‌گردد و شرایط و نحوه آموزش را بیان می‌کند.

برای تبیین بهتر بحث، حق بر آموزش مهاجر را در دو دوره زیر دیپلم و فوق دیپلم بررسی می‌شود

۱-۳-۲-۱. آموزش مهاجر تا دیپلم

آموزش پایه و ابتدایی تا دیپلم موضوع بحث آئین‌نامه‌های فوق و شیوه‌نامه مذکور است. این واقعیت را باید پذیرفت که از سال ۱۳۸۳ که اولین آئین‌نامه آموزش اتباع خارجه تصویب شده، تاکنون، تغییرات عمده در رفتار جمهوری اسلامی با آموزش مهاجر صورت گرفته است؛ و هرسال نسبت به سال قبل، حرکت به سمت عدالت آموزشی، سریع‌تر می‌شود. این حقیقت را می‌توان از بررسی و مقایسه دو آئین‌نامه به دست آورد که در ادامه بررسی شده است

۱-۳-۲-۱-۱. آئین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۸۳

این آئین‌نامه از سه جهت قابل بحث است:

۱. مدارک لازم برای ثبت نام

طبق آئین‌نامه تنها کسانی می‌توانند در مدارس ثبت نام کنند که یکی از چهار مدارک معتبر ذیل را داشته باشند: أ - کارت هویت ویژه اتباع خارجی؛ ب - دفترچه پناهندگی؛ ج - برگه تردد خروجی مدت‌دار؛ د - گذرنامه که دارای پروانه اقامت با اعتبار شش ماه باشد (آئین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۱، ماده ۱).

۲. رایگان بودن تحصیل

اسناد بین‌المللی مورد قبول ایران، بر رایگان بودن تحصیل ابتدائی تأکید دارد؛ ولی طبق آئین‌نامه فوق، بخشی از هزینه‌های مربوط به آموزش، از مهاجرین دریافت می‌گردد (آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، ماده ۲).

۳. اعمال ممنوعیت و محدودیت بر حق آموزش مهاجر

بر اساس آئین‌نامه فوق ثبت‌نام کودکان مهاجر فاقد مدرک تحت هر عنوانی، در مدارس ایران ممنوع بود (آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، ماده ۱، تبصره). این آئین‌نامه باعث شد که هزاران کودک مهاجر فاقد مدرک، سال‌ها از تحصیل در جمهوری اسلامی ایران بازماند و کنوانسیون‌های منع تبعیض در آموزش و پرورش و کنوانسیون حقوق کودک نادیده گرفته شود. بنابراین، آئین‌نامه سال ۸۳ اصل حق آموزش را فقط برای مهاجرین قانونی به رسمیت شناخته بود، آن‌هم با اعمال برخی از محدودیت‌ها؛ اما در آئین‌نامه سال ۹۵، شاهد تغییرات وسیعی در مورد حق بر آموزش مهاجر هستیم.

۱-۲-۳-۱ آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

یکی از تاریخی‌ترین تصمیمات رهبری جمهوری اسلامی ایران در مورد حق بر آموزش مهاجر، دستوری است که از ناحیه ایشان با این عنوان در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ صادر گردید: «هیچ کودک افغانستانی، حتی مهاجرینی که به صورت غیرقانونی و بی‌مدرک در ایران حضور دارند، نباید از تحصیل بازمانند و همه آن‌ها باید در مدارس ایرانی ثبت‌نام شوند» (علی خامنه‌ای (مقام معظم رهبری)، دستور: «هیچ دانش‌آموز افغانستانی، از تحصیل بازماند») این تصمیم مهم و سرنوشت‌ساز، به نحوی، زیربنای آئین‌نامه‌ی جدیدی شد که در سال ۱۳۹۵ تصویب گردید. این دستور رهبری، قوانین داخلی ایران را به سمت انطباق با کنوانسیون منع تبعیض در آموزش و پرورش رو به جلو برد و منجر به حرکتی شد که در هیچ جای جهان سابقه نداشت. کمتر کشوری را در جهان می‌توان یافت که مانند جمهوری اسلامی ایران بپذیرد که هزاران کودک فاقد مدرک قانونی، در مدارس کشور، از حقوق برابر و یکسان با اتباع آن کشور برخوردار شده و مشغول به تحصیل شود. چند تغییر و تفاوت مهم بین این آئین‌نامه و آئین‌نامه مصوب ۸۳ وجود دارد که در ادامه بررسی شده:

۱. افزوده شدن «کارت ویژه حمایت تحصیلی» به مدارک ثبت‌نام

در آئین‌نامه قبلی فقط چهار نوع مدرک برای ثبت‌نام معتبر بود. افراد فاقد مدرک، از حق آموزش بی‌بهره بودند. در این آئین‌نامه شاهد افزوده شدن مدرک پنجمی هستیم (آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، ماده ۱، بند «ث») که قلمرو فراگیر بودنش از چهار مدرک دیگر بیشتر است. با معرفی این مدرک حدود ۷۰٪ از کودکان مهاجر، حق بر آموزش خود را بازیافتند. کارت ویژه حمایت تحصیلی برای فرزندان آن دسته از مهاجرینی صادر می‌شود که فاقد مدرک بوده و اقامتشان در جمهوری اسلامی ایران «غیرمجاز» است. فرزندان افراد فاقد مدرک، با این کارت می‌توانند در مدارس ثبت‌نام نموده و مشغول به تحصیل شوند.

۲. رایگان شدن تحصیل برای دانش‌آموزان مهاجر

طبق آئین‌نامه ۸۳، هزینه‌های کمرشکنی از مهاجرین برای هزینه‌های تحصیلی فرزندانشان دریافت می‌شد. تعدادی از مهاجرین در خانواده‌های پرجمعیت با درآمد کم، توان پرداخت این هزینه‌ها را نداشتند و عملاً فرزندانشان از تحصیل بازمی‌ماند؛ اما آیین‌نامه جدید از این جهت خدمتی بزرگی در حق مهاجرین انجام داده و تحصیلات دانش‌آموزان مهاجر را تا سقف دیپلم رایگان نموده است (آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، ماده ۲).

۳. برداشته شدن برخی از ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های که در آئین‌نامه سابق وجود داشت. تفصیل این مطلب در بخش تحصیلات دانشگاهی و در ادامه توضیح داده می‌شود.

آئین‌نامه سال ۹۵ به شکل یک قانون ثابت قابل‌اعمال است؛ اما یک سری قوانینی وجود دارد که در هر سال آموزشی از طرف وزارت آموزش پرورش به کلیه مدارس ابلاغ می‌گردد. این شیوه‌نامه‌ها، نحوه ثبت‌نام، شرایط و مطالب مربوط به آموزش مهاجر را تبیین می‌کند. آخرین شیوه‌نامه صادره، شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجه است که در سال ۱۳۹۷ش به مدارس ابلاغ گردیده. در ادامه به توضیح حق بر آموزش مهاجر، با محوریت این شیوه‌نامه پرداخته شده.

۱-۲-۳-۱ شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجه (۱۳۹۷)

شیوه‌نامه مذکور، مصوب وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران، مرکز امور بین‌الملل و مدارس خارج از کشور است که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۴/۰۶ به ادارات مربوطه و مدارس سراسر ایران ابلاغ شده است.

شیوه‌نامه فوق، گام‌های مؤثری در تثبیت حق آموزش مهاجر برداشته که به صورت خلاصه در ذیل عنوان می‌گردد:

۱. ثبت‌نام دانش‌آموزان موضوع این آئین‌نامه در مقاطع مختلف تا سطح دیپلم، در مدارس دولتی همانند دانش‌آموزان ایرانی می‌باشند (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجه، تاریخ ابلاغ ۱۳۹۷/۰۴/۰۶، ماده ۲).

۲. تحصیل دانش‌آموزان اتباع خارجی در مدارس غیردولتی، نمونه دولتی، استعدادهای درخشان و استثنائی، همانند دانش‌آموزان ایرانی خواهد بود (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجه، ماده ۲، بند الف، تبصره ۳).

۳. «در کلیه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در درون مدرسه اعم از برگزاری اردوها و مسابقات و فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی و اجرای دوره‌های آموزش خانواده، دانش آموزان اتباع خارجی بدانند که آموزش ایرانی دارای شرایط یکسان و مساوی بوده و تأکید می‌گردد در تعلیم دانش آموزان در درون یک مدرسه هیچ تفاوتی به لحاظ امور آموزشی و تربیتی، اجتماعی و فرهنگی نباید رؤیت شود» (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش آموزان اتباع خارجه، قسمت ملاحظات، بند ۱).

۴. ضوابط و شرایط ثبت‌نام و ادامه تحصیل دانش آموزان اتباع خارجی دارای مدارک هویتی و اقامتی معتبر و دارندگان معرفی‌نامه ویژه حمایت تحصیلی صادره از دفاتر کفالت یکسان بوده و همچنین جداسازی دانش آموزان اتباع خارجی از دانش آموزان ایرانی ممنوع است (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش آموزان اتباع خارجه، قسمت ملاحظات، بند ۲).

۵. ثبت‌نام آن دسته از کودکان اتباع خارجی که دارای مدارک قانونی می‌باشند، در دوره پیش‌دبستانی با در نظر گرفتن ظرفیت فضای آموزشی و نیروی انسانی، برابر ضوابط آموزشی بلامانع است (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش آموزان اتباع خارجه، قسمت ملاحظات، بند ۱۱).

۶. طبق این شیوه‌نامه حتی مدارک تاریخ گذشته نیز برای ثبت‌نام در مدرسه کفایت می‌کند (شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش آموزان اتباع خارجه در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷، ماده ۱، بند ۳).

از بررسی قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران در مورد حق بر آموزش مهاجر این دستاوردها حاصل می‌شود:

۱. از سال ۱۳۸۳ تاکنون سیاست جمهوری اسلامی در قبال حق آموزش مهاجر تغییرات مثبتی داشته است.

۲. در سال تحصیلی ۱۳۹۷، تبعیضات آموزشی تا سقف دیپلم، به لحاظ قانون گزاری، تقریباً به صفر رسیده.

اما تحصیلات فوق‌دیپلم موضوع دیگری است که در ادامه به آن پرداخته شده.

۱-۲-۳-۲. حق بر آموزش در مقاطع بالاتر از دیپلم در دانشگاه

در بخش تحصیلات مهاجر در دانشگاه، قدم‌های مثبتی برداشته شده. در آئین‌نامه سال ۱۳۸۳، ممنوعیت و محدودیت‌های، نسبت به مهاجرین قانونی اعمال می‌شد. از جمله منع پذیرش دانش آموزان افغانستانی در مراکز پیش‌دانشگاهی و سال اول مدارس کاردانش، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و مدارس شبانه‌روزی (آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۱، ماده ۲، تبصره ۳). این محدودیت‌ها، با تصویب «آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی»، مصوب ۱۳۹۵ لغو شد، به این شکل که مواد و تبصره‌های مربوط به این محدودیت‌ها که در آئین‌نامه سال ۱۳۸۳ وجود داشت، در آئین‌نامه ۱۳۹۵ نیامده است. هرچند جمهوری اسلامی ایران نگرش نسبت به حق بر آموزش مهاجر در تحصیلات عالی تغییراتی داشته؛ اما همچنان برخی از رشته‌ها برای مهاجر ممنوع است که در ادامه بیان شده.

۱-۲-۳-۳. رشته‌های ممنوعه برای مهاجر در ایران

رشته‌های ممنوعه را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی نمود:

۱. رشته‌هایی که منجر به ایجاد تعهدات استخدامی برای جمهوری اسلامی ایران می‌شود (سازمان سنجش آموزش کشور،

sanjesh.or

۲. رشته‌های مرتبط با فیزیک: رشته‌های تحصیلی فیزیک اتمی، فیزیک هسته‌ای، فیزیک مولکولی (پلاسما)، فیزیک ذرات بنیادی،

مهندسی پلاسما (سازمان سنجش آموزش کشور، sanjesh.org).

۳. رشته‌های در رابطه با هواپیما: رشته‌های مهندسی ایمنی (گرایش بازرسی فنی و حفاظت هواپیما)، مهندسی تعمیر و نگهداری

بالگرد و هواپیما، مهندسی هوافضا، مهندسی هوانوردی، خلبانی، ناوبری هواپیما، تعمیر و نگهداری هواپیما، خلبانی بالگرد و مراقبت پرواز، علوم نظامی، الکترونیک هواپیمایی، تعمیر و نگهداری هواپیما، مراقبت پرواز، مخابرات هواپیما (سازمان سنجش آموزش کشور، sanjesh.or).

۴. برخی از رشته‌های فناوری اطلاعات IT: گرایش مخابرات امن و مهندسی فناوری ماهواره (سازمان سنجش آموزش کشور،

sanjesh.org).

دلیل ممنوعیت این رشته‌ها برای مهاجر چندان مشخص نیست اما می‌تواند به دلایل ذیل باشد:

۱. عدم انتقال فناوری به خارج از کشور: تحصیل در این رشته‌ها توسط مهاجر، باعث می‌شود یافته‌های مخصوص ایران به خارج از

کشور ایران منتقل شود و هیچ کشوری چنین اجازه‌ای نمی‌دهد.

۲. محدود بودن امکانات آموزشی در رشته‌های فوق و پر بودن ظرفیت توسط متقاضیان ایرانی.

۳. عدم اقتضای مسائل امنیتی و سیاسی: برخی از رشته‌ها با مسائل امنیتی و سیاسی کشور ایران گره خورده است، تحصیل در این

رشته‌ها برای افراد غیر ایرانی، ممکن است در برنامه‌های امنیتی ایران اختلال ایجاد کند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، حق آموزش مهاجر در کشور ایران تا سقف دیپلم محدودیت و ممنوعیتی ندارد و از شرایط مساوی و

یکسان با اتباع ایرانی برخوردار است؛ اما در تحصیلات تکمیلی و دانشگاهی همچنان محدودیت‌های وجود دارد.

۱-۳-۳. حق بر آموزش مهاجر در حقوق افغانستان

افغانستان خود یکی از محروم‌ترین کشورهای جهان به لحاظ برخورداری اتباع این کشور از حق آموزش است. میلیون‌ها انسان بی‌سواد در این کشور زندگی می‌کنند. دسترسی به حق آموزش یکی از بزرگ‌ترین مشکلات موجود است. نبودن امکانات آموزشی متناسب با تعداد داوطلبان آموزشی، عدم برخورداری کافی از معلمان متخصص (وزارت معارف، moe.gov.a)، کمبود مدرسه، کمبود کتاب آموزشی (گزارش کیفیت پایین آموزش در مناطق تحت پوشش دفتر ساحوی بامیان، ص ۳)، بسته بودن حدود یک هزار مکتب به علت ناامنی (ضیاء الاسلام شیرانی، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۰۷/۲۱: www.taand.com؛ روزنامه افغانستان ما، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۰۷/۲۱. سایت: www.dailyafghanistan.co)، وجود فساد گسترده اداری در معارف افغانستان (رادیو آزادی، ۴ عقرب ۱۳۹۶ هـ) و ده‌ها مورد دیگر از بزرگ‌ترین مشکلات دولت و ملت در برخورداری از حق آموزش محسوب می‌گردد.

بر اثر چهار دهه جنگ‌های تحمیلی داخلی و خارجی بر این ملت، فقر فرهنگی و آموزشی همچنان ادامه دارد. بر اساس ارقام وزارت معارف افغانستان، در حال حاضر سه و نیم میلیون کودک واجد شرایط مکتب در افغانستان، از رفتن به مکتب محروم‌اند (وزارت معارف، چالش‌های کلیدی، سایت وزارت معارف، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۰۷/۲۱، www.moe.gov.a).

با در نظر گرفتن مطالب فوق، بررسی حق آموزش مهاجر در افغانستان مشکل‌تر می‌شود. با پژوهشی که در قوانین داخلی مرتبط با «حق آموزش» در افغانستان انجام شد، سندی که بتواند حق آموزش مهاجر را به اثبات برساند، در دسترس قرار نگرفت.

قوانین داخلی کشور از قانون اساسی گرفته تا قانون معارف، در آنجا که بحث معارف را مطرح نموده، قید «اتباع افغانستان» را به آن اضافه کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان مقرر می‌دارد که: «تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می‌گردد» (قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۴۳، بند ۱). قانون معارف جمهوری اسلامی افغانستان یکی از اهداف عمده معارف را: «تأمین حق مساوی تعلیم و تربیت برای اتباع جمهوری اسلامی افغانستان از طریق رشد و توسعه نظام معارف همگانی، متوازن و عادلانه» (قانون معارف جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۷/۰۵/۰۳، ماده ۲) می‌داند. در جای دیگر مقرر داشته است که: «اتباع جمهوری اسلامی افغانستان بدون هیچ نوع تبعیض دارای حق مساوی تعلیم و تربیت می‌باشند» (قانون معارف جمهوری اسلامی افغانستان، ماده ۳).

در نتیجه حق آموزش در قدم اول متوجه اتباع افغانستان است و برای مهاجر به رسمیت شناخته نشده است. دلیل اینکه چنین حقی برای مهاجر قائل نیست می‌تواند ناشی از موارد ذیل باشد:

۱. کشوری که در عرصه آموزش اتباع داخلی با مشکلات جدی و لاینحل مواجه است انتظار نمی‌رود که برای آموزش مهاجرین راهکار و قانون داشته باشد.

۲. افغانستان به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین کشورهای مهاجر فرست جهان شناخته شده است. پس تقاضای برای حق آموزش مهاجر وجود ندارد تا عرضه‌ی مناسب با آن صورت گیرد. عرضه و تقاضا ارتباط محکمی باهم دارند. اگر تقاضای حق آموزش مهاجر باشد، حکومت قوانین مناسب با آن را وضع می‌کند. همان کاری که کشورهای مهاجرپذیری چون جمهوری اسلامی ایران انجام داده‌اند. تا اینجا ثابت شد که قوانین داخلی افغانستان حق آموزش را برای مهاجر تعریف نکرده است.

اما پرسشی که باید مطرح نمود این است که آیا به‌راستی کشور افغانستان که خود سال‌هاست طعم تلخ مهاجرت را چشیده و درد مهاجرت را احساس کرده برای مهاجر، حق بر آموزش قائل نیست؟

در پاسخ می‌توان بیان داشت که به علت فقدان زیرساخت‌های آموزشی، در شرایط فعلی زمینه وضع قانونی برای اتباع خارجی که همه حقوق آنان از جمله حق آموزش را مورد بررسی و تأیید قرار دهد وجود ندارد.

اما کشور افغانستان از راه دیگری، خود را ملزم به رعایت و اعطای حق آموزش برای مهاجر می‌داند و آن هم پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی و تصویب آن‌ها است.

افغانستان به دو کنوانسیون مهم «حقوق کودک» و «کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش»، پیوسته است. این دو کنوانسیون، حق آموزش را برای تمام بشریت از جمله مهاجر به رسمیت می‌شناسد و کشورهای طرف کنوانسیون ملزم به رعایت این حق می‌باشند. به‌ویژه کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش و پرورش که در قدم نخست، صراحتاً حق آموزش را برای اتباع خارجه بیان کرده است و در گام بعدی راه تخلف و قائل شدن حق شرط را در مقابل کشورهای عضو کنوانسیون بسته است.

در نتیجه با استناد به قوانین بین‌المللی چون میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه اسلامی حقوق بشر به‌ویژه دو کنوانسیون مذکور، می‌توان ادعا نمود که افغانستان حق آموزش را برای مهاجر به رسمیت می‌شناسد.

نتیجه گیری

حق بر آموزش یکی از حقوق مهمی است که مورد توجه فقه اهل بیت (علیهم السلام) قرار گرفته و همه جانبه به حمایت و تأیید آن بر خواسته است، در استفاده از حق بر آموزش هیچ کدام از مواردی چون زمان و مکان، تابعیت و ملیت، قومیت، رنگ و زبان، دین، مذهب و نژاد را ملاک نمی داند. هر انسانی در هر جای حق دارد آموزش ببیند. فقه اهل بیت (علیهم السلام) هر گونه آموزشی را که مخالف آموزه های دینی نباشد برای همگان به رسمیت می شناسد و از این جهت مافوق قوانین بشری است.

در حقوق ایران نیز تا سقف دیپلم حق آموزش مساوی و برابر و بدون تبعیض برای مهاجر ثابت است، در تحصیلات فوق دیپلم هنوز محدودیت های اعمال می شود.

در قوانین داخلی افغانستان حق آموزش را برای مهاجر تعریف نشده. پس قوانین داخلی ایران از این جهت بر قوانین داخلی افغانستان برتری دارد. هر چند افغانستان از طریق پیوستن به کنوانسیون های بین المللی، ملزم به اعطای چنین حقی برای مهاجر است. به عقیده حقوقدانان، بعد از الحاق یک کشور به یک سند بین المللی و تصویب آن، آن سند نیز در زمره قوانین داخلی کشور قرار می گیرد. پس از این جهت می توان ادعا نمود که حق بر آموزش مهاجر در قوانین داخلی افغانستان نیز ثابت است (قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷، ماده ۹).

منابع و مراجع

- [۱] قران کریم
- [۲] رساله الحقوق امام سجاد، تهران، انتشارات بین‌المللی هدی، ۱۴۲۱ق.
- [۳] ابن سعد (هاشمی)، محمد بن سعد بن منیع (۱۴۱۰). الطبقات الكبرى، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۴] ابن هشام، حمیری، عبدالملک (۱۳۷۵)، سیره ابن هشام، تحقیق مصطفی سقا، مصر، مصطفی البالی الحلبي.
- [۵] اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸م.
- [۶] اعلامیه حقوق بشر اسلامی، مصوب ۱۲ محرم ۱۴۱۱ قمری.
- [۷] اعلامیه رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۳م.
- [۸] آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۹۵/۰۲/۰۱ ه.ش.
- [۹] آیین‌نامه نحوه آموزش اتباع خارجی، مصوب ۱۳۸۳/۰۲/۱۱ ه.ش.
- [۱۰] جهامی، جیرار، (۲۰۰۶). الموسوعة الجامعة لمصطلحات الفكر العربي و الإسلامی، بیروت، ناشرون.
- [۱۱] حسینی شیرازی، سید محمد، (۱۴۰۹). الفقه، بیروت، دارالعلوم.
- [۱۲] حسینی مراغی، میر عبدالفتاح (۱۴۱۷هـ)، العناوین الفقهیه، قم، جامعه مدرسین.
- [۱۳] حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۱هـ) تحریر الاحکام الشرعیه، مشهد، آل‌البيت، بیتا؛ قم، موسسه امام صادق.
- [۱۴] خامنه‌ای، سید علی (مقام معظم رهبری)، «هیچ دانش‌آموز افغانستانی، از تحصیل بازماند»، به نقل از خبرگزاری تسنیم، تاریخ درج خبر ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۴ - ۱۱:۰۸، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۱۰/۲۴، www.tasnimnews.com
- [۱۵] دفتر ساحوی بامیان، «گزارش کیفیت پایین آموزش در مناطق تحت پوشش دفتر ساحوی بامیان»، بامیان، کمیسیون مستقل حقوق بشر، جوزای ۱۳۹۶
- [۱۶] رادیو آزادی، گزارش: «یافته‌های تازه در مورد فساد گسترده در وزارت معارف»، ۴ عقرب ۱۳۹۶ ه.ش
- [۱۷] سازمان اسلامی، آموزشی، علمی و فرهنگی، تاسیس در مه ۱۹۷۹ میلادی، وبگاه: www.isesco.org.ma
- [۱۸] سازمان سنجش آموزش کشور، «جدول رشته‌ها و مناطق ممنوعه برای انتخاب محل تحصیل اتباع غیر ایرانی»، تاریخ تصویب ۱۳۹۱/۰۵/۱۷، تاریخ ویرایش ۱۳۹۲/۹/۰۴، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۱۰/۲۴، sanjesh.org
- [۱۹] شیرانی، ضیاء الاسلام، «آغاز سال تعلیمی ۱۳۹۷ و مشکلات موجود در معارف افغانستان»، مرکز مطالعات استراتژیک و منطقه‌ای، سایت تاند، تاریخ مراجعه، ۱۳۹۷/۰۷/۲۱: www.taand.com
- [۲۰] شیوه‌نامه ثبت‌نام دانش‌آموزان اتباع خارجه در سال تحصیلی ۹۸ - ۱۳۹۷، تاریخ ابلاغ، ۱۳۹۷/۰۴/۰۶ ه.ش.
- [۲۱] صدوق، ابن بابویه، (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- [۲۲] فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، العین، بیروت، دارالهجره.
- [۲۳] فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵)، القاموس المحیط، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۲۴] قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۰۱ ه.ش.
- [۲۵] قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۰۶ ه.ش.
- [۲۶] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۲۴ آبان ۱۳۵۸ ه.ش.
- [۲۷] قانون الحاق دولت ایران به قرارداد بین‌المللی مبارزه با تبعیض در امر تعلیمات، مصوب ۱۳۴۶/۱۲/۰۷ ه.ش.
- [۲۸] قانون مدنی ایران، مصوب ۱۳۰۷.
- [۲۹] قانون معارف جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۷/۰۵/۰۳ ه.ش.
- [۳۰] قمی (ابن بابویه) محمدبن علی (۱۳۶۲)، الخصال، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
- [۳۱] کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۲۹)، اصول کافی، قم، دارالحدیث
- [۳۲] کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۵م.
- [۳۳] کنوانسیون یونسکو علیه تبعیض در آموزش و پرورش، مصوب ۱۹۶۰م.
- [۳۴] کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹م.
- [۳۵] مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی

- [۳۶] مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، نظریه حقوقی اسلام، تحقیق و نگارش: محمد مهدی کریمی نیا، مهد مهدی نادری قمی، قم، موسسه امام خمینی.
- [۳۷] معرفت، محمد هادی (۱۳۸۰)، «حقوق متقابل مردم و حکومت»، رجوع شود به علی اکبر رشاد، دانشنامه امام علی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- [۳۸] مهرپور، حسین، (۱۳۷۷)، نظام بین المللی حقوق بشر، تهران، انتشارات اطلاعات.
- [۳۹] میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مصوب ۱۹۶۶ م.
- [۴۰] میثاق بین المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ م.
- [۴۱] نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- [۴۲] نوری، مسعود، (۱۳۹۳)، اصل عدم تبعیض، رجوع شود به: مصطفی میر محمدی و همکاران (مؤلف)، مجموعه مقالات حقوق کودک، قم، دانشگاه مفید - یونیسیف.
- [۴۳] وزارت معارف، «چالش‌های کلیدی»، سایت وزارت معارف، تاریخ مراجعه ۱۳۹۷/۰۷/۲۱، moe.gov.af
- [44] Convention against Discrimination in Education. Paris, 14 December 1960: www.unesco.org
- [45] Unesco "Convention against Discrimination in Education. Paris, 14 December 1960", Date of Visit: 3 October 2018
- [46] Unicef, "About the Convention", www.unicef.org/rightsite/237_202.htm